Journal of System Engineering and Productivity

System Engineering and Productivity/ 2024/ Vol.4/ No.1/ 71-83

System Engineering and Productivity

DOI: 10.22034/msb.2024.2024329.1191

IRAN LOGESTICS SOCIETY انجمن لجستیک ایران

# A Paradigm Model for Improving Financial Efficiency and Budgeting Development in Education Using Grounded Theory

**Mostafa Shamsoddini** [1*], **Esmaeil Akhlaghi Yazdinejad** [2]

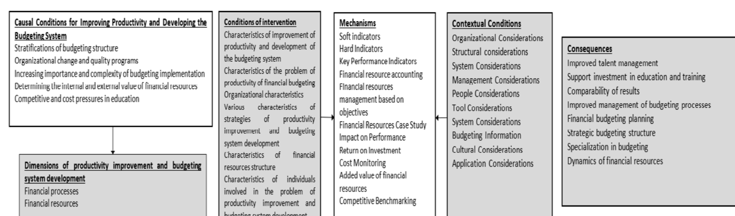
[1] Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

[2] Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

## HIGHLIGHTS

- Improving financial efficiency in education is a solution to face the lack of resources in this field.
- In order to achieve the goals, it is necessary to have a consistent program with a homogenous monitoring and evaluation system.
- Improving the budgeting system increases the effectiveness of education programs.

## GRAPHICAL ABSTRACT




## ARTICLE INFO

*Article history:*
Article Type: Research paper
Received: 5 March 2024
Received in revised form: 24 May 2024
Accepted: 18 June 2024
Available online: 20 June 2024

*Correspondence:
m.shamsoddini@hormozgan.ac.ir

*How to cite this article:*
Shamsoddini, M., Akhlaghi Yazdinejad, E. (2024) A Paradigm Model for Improving Financial Efficiency and Budgeting Development in Education Using Grounded Theory. *System Engineering and Productivity*, 4(1), 71-83.

*Keywords:*
Financial Efficiency
Budgeting
Education
Grounded Theory

## ABSTRACT

Each year, considerable financial resources are allocated to the education of students. The enhancement of educational productivity not only contributes to economic and social development, but also facilitates the optimal training of efficient and creative human resources, which can subsequently lead to the advancement of country. The aim of this study is to provide a model for improving financial efficiency and budget development in education. The research is qualitative and was conducted using Grounded Theory. The statistical population consisted of experts in the research field, and they were purposefully sampled. A semi-structured interview was used as the data collection tool. The study is divided into two parts. The first part of the study attempts to extract a paradigm model using Grounded Theory to improve financial efficiency and budgeting development in education. The model includes causal and background factors, intervention conditions, dimensions of financial efficiency, and consequences of improving financial efficiency and budgeting development. It also highlights the most important concepts in these fields. The second part aims to extract and rank executive, basic, and research solutions to improve financial efficiency and budget development. This will be achieved by drawing on the experiences of other countries and using the research paradigm model. According to the research paradigm model, achieving financial efficiency and an appropriate budgeting system in education requires a coherent program with consistent monitoring and evaluation, as well as organizational insight beyond the mission, goals, and tasks.

مهندسی سیستم و بهره‌وری/ سال ۱۴۰۳/ دوره ۴/ شماره ۱/ صفحه ۷۱-۸۳

نشریه مهندسی سیستم و بهره‌وری

DOI: 10.22034/msb.2024.2024329.1191

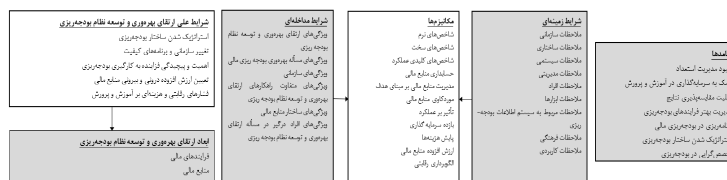
# مدل پارادایمی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش با استفاده از نظریه داده بنیاد

**مصطفی شمس‌الدینی [1]*، اسماعیل اخلاقی یزدی نژاد [2]**

[1] استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

[2] استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

## چکیده گرافیکی



## برجسته‌ها

- ارتقای بهره‌وری مالی در آموزش‌وپرورش راهکاری برای مواجهه با کمبود منابع در این حوزه است.
- برای تحقق اهداف، وجود برنامه‌ای منسجم با نظام نظارت و ارزیابی همگن الزامی است.
- ارتقای نظام بودجه‌ریزی، میزان اثربخشی برنامه‌های آموزش‌وپرورش را افزایش می‌دهد.

## چکیده

هرساله منابع مالی عظیمی برای تعلیم‌وتربیت دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارتقای بهره‌وری در آموزش‌وپرورش نه‌تنها به توسعه اقتصادی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه از طریق تربیت بهینه نیروی انسانی کارآمد و خلاق می‌تواند موجب اعتلای کشور گردد. هدف مطالعه حاضر، ارائه مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش است. این پژوهش از نوع کیفی است که با به‌کارگیری نظریه داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری پژوهش خبرگان آگاه به حوزه تحقیق بودند که نمونه‌گیری از آن‌ها به‌صورت هدفمند انجام پذیرفت. ابزار گردآوری داده در این پژوهش مصاحبه از نوع نیمه ساختاریافته بود. این پژوهش به دو بخش تفکیک‌شده است. در بخش اول، سعی شده است تا با استفاده از نظریه داده بنیاد، یک مدل پارادایمی جهت ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش استخراج گردد. در این مدل، شرایط عالی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، ابعاد ارتقای بهره‌وری مالی و پیامدهای بهبود نظام بودجه‌ریزی مورد بررسی قرارگرفته و مهم‌ترین مفاهیم در این زمینه‌ها استخراج گردیده است. در بخش دوم، سعی شده است تا با استفاده از تجربیات سایر کشورها و مدل پارادایمی پژوهش، مهم‌ترین راهکارهای اجرایی، مبنایی و پژوهشی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش استخراج گردند. بر اساس مدل پارادایمی پژوهش، اصول مهمی که برای نیل به بهره‌وری مالی و نظام بودجه‌ریزی مناسب در آموزش‌وپرورش ضروری به نظر می‌رسد، وجود برنامه‌ای منسجم با نظارت و ارزیابی همگن و بینش سازمانی فراتر از مأموریت، اهداف وظایف است.

## مشخصات مقاله

**تاریخچه مقاله:**

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

ارائه برخط: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

*نویسنده مسئول:

m.shamsoddini@hormozgan.ac.ir

**کلیدواژه‌ها:**

بهره‌وری مالی

بودجه‌ریزی

آموزش‌وپرورش

نظریه داده بنیاد

## ۱- مقدمه

در مدل‌های توسعه به نقش و اثر ارتقای بهره‌وری در استفاده از ظرفیت‌های موجود تأکید می‌گردد چراکه ارتقای بهره‌وریِ ظرفیت‌های موجود، این امکان را به وجود خواهد آورد که سرمایه‌های موجود توان بازسازی خود را داشته باشد و هر وقت لازم باشد برای نوسازی خود اقدام کنند (Abbas Pour & Yazdani, 2017). ارتقای بهره‌وری انباشت سرمایه‌ای را به وجود می‌آورد که می‌تواند برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های موجود و سرمایه‌گذاری‌های جدید مورداستفاده قرار گیرد (Albon et ai., 2016). همچنین ارتقای بهره‌وریِ ظرفیت‌های موجود، امکان ارتقای کیفیت زندگی را برای شاغلین و مصرف‌کنندگان تأمین کرده و از این طریق انگیزه مضاعفی را برای کار و تولید فراهم خواهد کرد (Alexander., 2014).

محدودیت منابع اقتصادی به‌عنوان یک واقعیت و استفاده بهینه از این منابع به‌عنوان یک ضرورت، همواره موردتوجه مدیران و گروه‌های ذی‌نفع در سازمان‌های عمومی و خصوصی است. آموزش‌وپرورش نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به‌شدت وابسته به بودجه و کمک‌های مالی دولت است. در کشورهایی که دولت‌ها ساختارهای مناسب برای اقتصاد آموزش ندارند معضلات و مشکلات بسیاری درزمینه‌ی تأمین مالی آموزش‌وپرورش مشاهده می‌شود (Alkubaisi & Rasool, 2020). قابل‌ذکر است که آموزش‌وپرورش به‌عنوان نهادی اجتماعی و فرهنگی، نقشی بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند (Atmaja et al., 2023). در جهان امروز رابطه آموزش‌وپرورش با جامعه و در جهت پاسخگویی به نیازهای متنوع و پیچیدگی آن، اهمیتی مضاعف و روزافزون یافته و با توجه به فرایند جهانی‌شدن و تأثیراتی که این فرایند بر ساختارهای اجتماعی دارد، مطالعه و بررسی ساختار آموزش‌وپرورش از اولویت‌های مهم و اساسی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید چراکه اساساً آموزش‌وپرورش با ویژگی‌ها و گرایش‌های روحی، فکری و سنت‌های یک ملت همبستگی بسیار دارد (Azvaji & Dadashi, 2011).

در این راستا، مسئله اصلیِ مطالعه حاضر، ارائه مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در حوزه‌های مختلف آموزش‌وپرورش است. به دلیل نقش مؤثر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حوزه آموزش‌وپرورش در جامعه، بهبود بهره‌وری در هر شاخه از آن، خود عاملی مؤثر در راستای بهبود بهره‌وری جامعه خواهد بود. با توجه به‌ضرورت بررسی مستمر بهره‌وری مالی و نظام بودجه‌ریزی و ارائه راهکار برای بهبود و ارتقای آن و ازآنجا که تا به حال مدلی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش ارائه نشده است این پژوهش قصد دارد به بررسی وضع موجود در آموزش‌وپرورش پرداخته و راهکارهای بومی و اجرایی جهت ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش ارائه دهد. به خاطر ماهیت متفاوت مسئله تحقیق و نبود مدل‌های نظری جامع در این زمینه، این پژوهش ابتدا یک مدل پارادایمی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش ارائه می‌کند، سپس با بررسی تجربیات سایر کشورها راهکارهای مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی ارائه می‌کند. این مدل می‌توانند در بهبود نظام بودجه‌ریزی و منابع مالی آموزش‌وپرورش و اجرای راهکارهای مؤثر راهگشا باشد.

## ۲- مبانی نظری

آموزش‌وپرورش، بخشی از نیازهای اساسی انسان‌ها در انجام بینش و رسالت خود به‌عنوان انسان در روی زمین هستند. همه انسان‌ها بدون استثنا در این زمین به آموزش نیاز دارند؛ به همین دلیل، حضور دولت در تأمین نیازهای آموزشی مورد انتظار همه فرزندان در همه کشورها قرار دارد (Baker, 2022). ازنظر مفهومی و سیاسی، این اتفاق‌نظر وجود دارد که مداخله دولت در تأمین اعتبار آموزش مورد نیاز است (Becerik-Gerber et al., 2022; Bray, 2002; Chapman & Doris 2019; Chindengwike, 2022). در ارتباط با علت و چرایی دخالت دولت در تأمین مالی آموزش، به‌طورکلی سه دیدگاه وجود دارد. برخی دخالت دولت را از منظر اجتماعی (جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش)، گروهی از دیدگاه سیاسی (علم سیاست در آموزش‌وپرورش) وعده‌ای با رویکرد اقتصادی (اقتصاد آموزش و نظریه سرمایه انسانی) موردتوجه قرار داده‌اند (Elasmay, 2021). برنامه‌ها و اهداف دولت باید متناسب با وظایف آن باشد که این امر عموماً از طریق بودجه‌ریزی انجام می‌شود (Ginting, 2020). در کشور ما به‌حکم کلی اصل ۳۰ قانون

اساسی جنبه اجباری تربیت عمومی، مسئولیت دولت و رایگان بودن آن را توجیه می‌کند (Hapompwe et al., 2020).

یکی از مباحث مطرح در ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی هر سازمان اصلاح سازوکارهای تخصیص منابع مالی است. نهادهای اقتصادی کارآمد می‌توانند با کاهش نا اطمینانی و افزایش ثبات، هزینه‌های مبادلاتی را کاهش دهند و از این طریق سبب تخصیص کارآمد منابع و گسترش دانش و ایده‌های جدید شوند که این امر افزایش بهره‌وری را به دنبال دارد (Hairon, 2021). به‌طورکلی سازوکارهای تخصیص منابع مالی به چگونگی توزیع منابع مالی بین واحدهای آموزشی، انواع آموزش و مقاطع تحصیلی اطلاق می‌شود (Hedayati & Naji, 2020). برای تعلیم و تربیت لازم است منابع مالی فراهم و میان عناصر و عوامل نظام توزیع شود. بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش حلقه رابط میان تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از منابع مالی است. برای ارزیابی کیفیت و اثربخشی سازوکار بودجه‌ریزی، توجه به کارآمدی، برابری و عدالت در توزیع امکانات آموزشی اهمیت زیادی دارد (Hidayah & Syahrani, 2022).

طبق قانون «اهداف و وظایف وزارت آموزش‌وپرورش» در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶، وزارت آموزش‌وپرورش، مسئولیت برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، هماهنگی و نظارت بر امور آموزشی و پرورشی دوره‌های پیش‌دبستانی، دبستانی، متوسطه و مراکز وابسته به خود را در سراسر کشور به عهده دارد. بر اساس ماده ۲ از فصل اول قانون مذکور و با توجه به اهداف اساسی وزارت آموزش‌وپرورش در ایران، می‌توان عمده حوزه‌های فعالیتِ آموزش‌وپرورش را به فعالیت‌های آموزشی، پرورشی، پژوهشی و ورزشی تقسیم نمود. در این راستا منابع مالی آموزش‌وپرورش نیز عمدتاً در همین حوزه‌ها هزینه و یا سرمایه‌گذاری می‌شوند که می‌توانند شامل منابع انسانی، فضاهای کالبدی، امکانات سخت‌افزاری و ... که برای پیشبرد هر یک از این فعالیت‌ها موردنیاز است، باشند.

در ادبیات اقتصادی، چگونگی به‌کارگیری عوامل و منابع رشد اقتصادی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی مهم است و هرچه اقتصاد به سمت توسعه‌یافتگی پیش برود به‌تدریج شدت به‌کارگیری منابع فیزیکی و انسانی کاهش می‌یابد و سعی می‌شود با تغییرات فنی و کارایی عوامل تولید، سطح کیفی این منابع ارتقا یابد (Jafari et al., 2022). استفاده از فواید حاصل از ارتقای بهره‌وری نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی کشورهای گوناگون دارد. کشور ما نیز که در جهت اقتصاد دانایی محور حرکت می‌کند و تمامی تلاش خود را برای افزایش سرمایه‌های انسانی بکار می‌گیرد چاره‌ای جز ارتقای بهره‌وری در سطوح گوناگون به‌ویژه آموزش‌وپرورش ندارد.

بهره‌وری در آموزش‌وپرورش عبارت است از ارتباط میان نحوه استفاده سازمان آموزشی از منابعی که در اختیار دارد و تبدیل آن به خروجی مطلوب (Jiakui et al, 2023). از منظر علم اقتصاد آموزش، مبنای نظری سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، نظریه سرمایه انسانی می‌باشد. ازنظر این نظریه، افراد به‌طور عقلایی و باهدف برخورداری از نتایج مادی و غیرمادی آتی آموزش، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، این نظریه برای آموزش نقش بهره‌ورزایی و مولد زایی قائل است (Karimi HajiKhademi & Heidari Pour , 2020). در اینجا مبنای نظری بخش بهره‌وری مالی با استفاده از نظریه مطرح‌شده لینا و همکاران (۲۰۱۰) می‌باشد. آن‌ها، توجه به بهره‌وری و سنجش آن را، با توجه به سنجش اثربخشی، عقلانیت و کارایی مفید دانسته‌اند (Khan & Abdullah, 2019).

در برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی، توجه به بهره‌وری عامل مهمی محسوب می‌شود (Kurul, 2012). اندازه‌گیری بهره‌وری، وسیله مهمی برای نظارت و کنترل است و سبب ارتقا سطح تصمیم‌ها، بهبود پاسخگویی و اعتماد عمومی است (Lecours et al., 2023).

یونسکو در سال ۲۰۱۷ در گزارشی با عنوان "تأمین مالی مناسب و مؤثر در مدارس"، سیاست‌های مالی مدارس را در ده کشور منطقه آسیا-اقیانوسیه بررسی کرده است (Linna et al., 2010). این گزارش بیان می‌کند که در سطح جهان، تقاضای رو به رشدی برای بهبود سیاست‌های مالی مدرسه، افزایش بهره‌وری و استفاده مؤثر از منابع موجود در جهت ارائه آموزش کیفی، وجود دارد. این گزارش نتیجه می‌گیرد که بهبود سیاست‌های مالی مدارس به‌شدت وابسته به روندهای منطقه‌ای بوده و با در نظر گرفتن عناصر کلیدی منطقه در سیاست‌گذاری‌ها می‌توان کفایت و کارایی امور مالی مدارس را تضمین نمود.

## ۳- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر اساس هدف، در زمره تحقیقات کاربردی است. پژوهش حاضر ازنظر روش اجرا و گردآوری داده‌ها کیفی می‌باشد و از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به اینکه روش پژوهش حاضر در مرحله ابتدایی کیفی است برای پژوهش حاضر فرضیه‌ای متصور نمی‌گردد. با این حال، مهم‌ترین سؤال‌های پیش‌رو در این پژوهش به‌صورت زیر هستند:

**سؤال اول:** مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش چگونه است؟

**سؤال دوم:** بر اساس مدل پژوهش و تجربیات موفق سایر کشورها، چه راهکارهایی درزمینه ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش می‌توان ارائه داد؟

در سؤال اول، این پژوهش بر اساس روش ازجمله تحقیقات توصیفی از نوع نظریه داده بنیاد است. نظریه داده بنیاد، روش پژوهشی است برای تولید نظریه‌ای که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده است. این روش برای موقعیتی مناسب است که دانش ما در مورد آن محدود و نظریه قابل‌اعتنا برای آن موجود نیست که بتوان بر اساس آن فرضیه‌ای برای آزمون تدوین کرد. ازآنجاکه تابه‌حال مطالعات کافی در بحث ارتقای بهره‌وری منابع مالی آموزش‌وپرورش صورت نپذیرفته، با استفاده از نظریه داده بنیاد می‌توان یک مدل مشخص برای ارتقای بهره‌وری منابع مالی در آموزش‌وپرورش پیشنهاد داد.

در سؤال دوم، این پژوهش بر اساس روش ازجمله تحقیقات توصیفی بوده که از نوع پیمایشی- مقطعی است؛ در این سؤال برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و دلفی استفاده‌شده است.

جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش اساتید دانشگاهی، خبرگان و صاحب‌نظران دارای زمینه علمی و کاری مرتبط با ارزیابی و تعالی منابع مالی و بودجه‌ریزی در اقتصاد، مدیریت و آموزش‌وپرورش می‌باشد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری استفاده‌شده است؛ در این روش، نمونه‌گیری تا جایی که مدل به حد ساخت و اشباع برسد ادامه پیدا می‌کند. شیوه تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری بازمحوری و انتخابی بوده است. به دلیل تخصصی بودن مفاهیم و نو بودن عنوان تحقیق و همچنین عدم وجود سوابق مطالعاتی مستند در این حوزه، در این مرحله خبرگانی انتخاب خواهند شد که دارای سابقه مفید درزمینه مورد پرسش باشند. ازاین‌رو، در این پژوهش پانل خبرگان شامل ۱۴ نفر از اساتید و متخصصان امر بود که بیشترین آشنایی و سابقه را درزمینه پژوهش داشتند. اطلاعات جمعیت شناختی پانل خبرگان در جدول **۱** گزارش‌شده است.

**جدول (۱):** اطلاعات جمعیت شناختی پانل پژوهش

| ویژگی | | تعداد |
|---|---|---|
| جنسیت | زن | ۵ |
| | مرد | ۹ |
| تحصیلات | کارشناسی ارشد | ۴ |
| | دکتری | ۱۰ |
| سن | بین ۳۵ تا ۴۵ سال | ۴ |
| | بیشتر از ۴۵ سال | ۱۰ |
| سابقه حرفه‌ای | بین ۱۰ تا ۲۰ سال | ۶ |
| | بیشتر از ۲۰ سال | ۸ |
| سابقه مسئولیت اجرایی | دارد | ۷ |
| در آموزش‌وپرورش | ندارد | ۷ |

## ۴- تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

**سؤال اول:** مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش چگونه است؟

در این بخش، سعی شد تا با استفاده از نظریه داده بنیاد، مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش استخراج گردد. شیوه تحلیل داده‌ها در این قسمت، کدگذاری باز، محوری و انتخابی بوده است. در کدگذاری باز، دو مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله اول بر روی متن مصاحبه‌های پیاده شده و تجربیات کشورهای منتخب، کدگذاری می‌شود و در مرحله دوم بر روی کدهای اولیه، کدگذاری مرتبه دومی صورت می‌گیرد. در کدگذاری محوری سعی می‌شود تا مقوله‌ها و مفاهیم را در قالب مدل پارادایمی گنجاند و برای مقوله‌های استخراج‌شده یکسری خصوصیات و برای هر خصوصیت یک دامنه تعریف کرد و درنهایت در کدگذاری انتخابی سعی می‌شود تا مسیر مقوله‌های به‌دست‌آمده را مرتبط باهم تعیین نمود. در ادامه نتایج کدگذاری باز و محوری ارائه گردیده و سپس نتایج کدگذاری انتخابی ارائه می‌گردد.

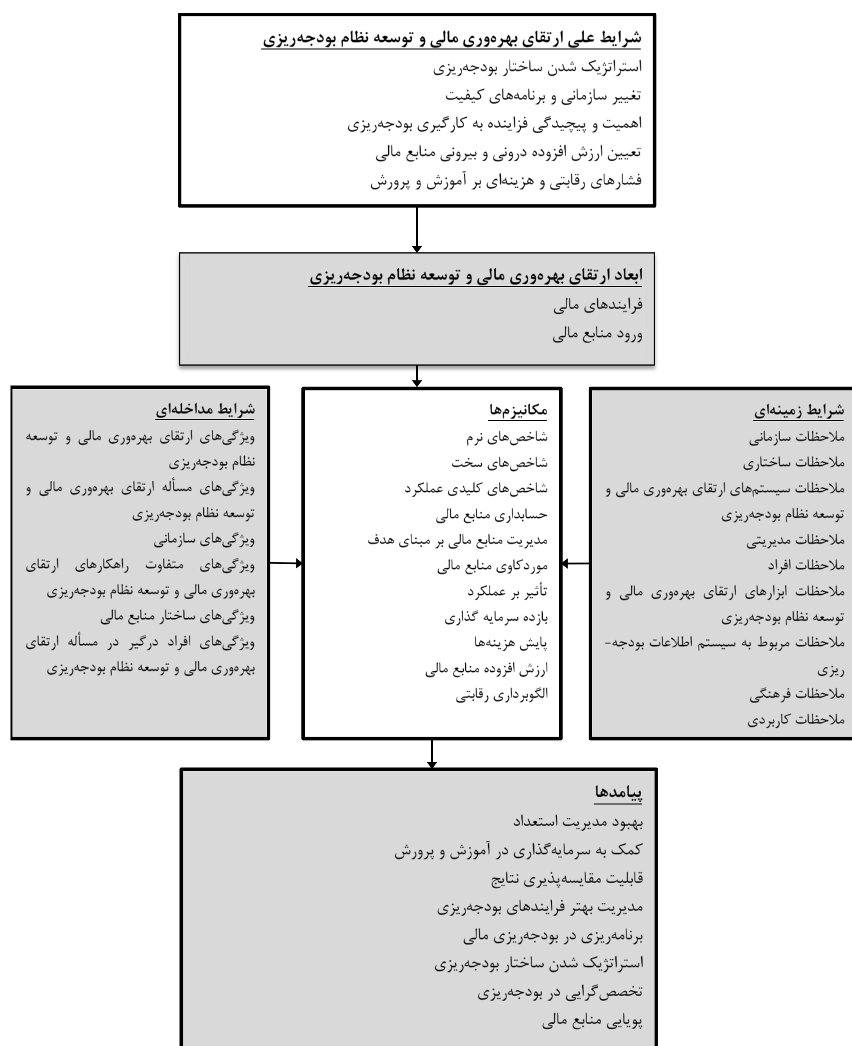
**جدول (۲)**: مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای نهایی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش

| مقوله | مفاهیم | کدهای نهایی |
|---|---|---|
| شرایط علی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش | استراتژیک شدن ساختار بودجه‌ریزی | مرتبط کردن بودجه‌ریزی به استراتژی‌های آموزش‌وپرورش |
| | | شناخت بهتر انتظارات از هزینه کرد منابع مالی |
| | تغییر سازمانی | ارتقای بهره‌وری مالی |
| | | فرایندهای بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش |
| | اهمیت بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش | ضعف مدل‌های بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش |
| | | تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش |
| | تعیین ارزش‌افزوده منابع مالی در آموزش‌وپرورش | ارزش‌افزوده سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش |
| | | خروجی نظام‌های بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش |
| | فشارهای هزینه‌ای بر آموزش‌وپرورش | فشارها برای کاهش هزینه‌ها |
| | | تفکرات مدیران آموزش‌وپرورش و فشار ارتقای بهره‌وری مالی |
| | فشارهای محک‌زنی عملکرد | مد شدن ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | | مشخص کردن نقاط قوت و ضعف در هزینه کرد منابع مالی |
| شرایط زمینه‌ای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش | ملاحظات سازمانی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | ماهیت آموزشی و پرورشی فعالیت‌های آموزش‌وپرورش |
| | | رویکرد مناسب فرایندهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | ملاحظات ساختاری مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | تعریف مکانیزم‌های ساختاری ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | | تعیین نقش و مسئولیت افراد در ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | سیستم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | یکپارچگی اقدامات در راستای بهبود بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | | تعریف شاخص‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌ها |
| | ملاحظات مدیریتی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | اعتقاد و حمایت مدیریت از ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | | آشنایی مدیران با راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی و اهمیت آن |
| | افراد مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | شایستگی تخصصی افراد در آموزش‌وپرورش |
| | | شایستگی رفتاری افراد در آموزش‌وپرورش |
| | ابزارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | روایی و پایایی ابزارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | | استفاده درست از ابزارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | سیستم اطلاعات بودجه‌ریزی مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | فناوری اطلاعات در نظام بودجه‌ریزی |
| | | داده‌ها و نتایج ارتقای بهره‌وری مالی |
| | ملاحظات فرهنگی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | نگرش و فرهنگ ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی |
| | | اجتناب از سیاسی‌کاری و بی‌اعتمادی |
| | نتایج ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | شناخت و داشتن انتظارات منطقی درباره ارتقای بهره‌وری مالی |
| | | تعریف پروژه‌های بهبود بهره‌وری بر اساس نتایج |

ادامه **جدول (۲)**.

| مقوله | مفاهیم | کدهای نهایی |
|---|---|---|
| شرایط مداخله‌ای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش | ویژگی‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | متغیر بودن ماهیت بهره‌وری در بودجه‌ریزی مالی<br>زمان‌بربودن تأثیرگذاری فرایند ارتقای بهره‌وری مالی |
| | ویژگی‌های مسئله بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | تعریف درست مسئله بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی<br>تناسب ابزار ارتقای بهره‌وری با مسئله بودجه‌ریزی |
| | ویژگی‌های سازمانی | میزان بودجه اختصاص داده‌شده به ارتقای بهره‌وری مالی<br>ماهیت سازمان و فعالیت‌های آن |
| | ویژگی‌های متفاوت راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | قابلیت به‌کارگیری، تکرارپذیری و مقایسه پذیری راهکار<br>نوع فرهنگ‌سازمانی موردنیاز برای راهکار |
| | ویژگی‌های ساختار منابع مالی | نوع منابع مالی<br>ماهیت متفاوت منابع مالی در آموزش‌وپرورش |
| | ویژگی‌های افراد درگیر در مسئله بهبود بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | شایستگی‌های متفاوت افراد<br>تفکر و خواست مدیران درگیر در مسئله |
| ابعاد ارتقای بهره‌وری | فرایندهای مالی | ارتقای کارایی فرایندهای مالی<br>ارتقای اثربخشی فرایندهای مالی |
| | ورود منابع مالی | ارتقای ورود منابع مالی به آموزش‌وپرورش<br>تأثیر بر رویکرد افراد در آموزش‌وپرورش |
| مکانیزم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | مکانیزم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | شاخص‌های نرم<br>شاخص‌های سخت<br>شاخص‌های کلیدی عملکرد<br>حسابداری منابع مالی<br>مدیریت منابع مالی بر مبنای هدف<br>مورد کاوی منابع مالی<br>تأثیر بر عملکرد<br>بازده سرمایه‌گذاری<br>پایش هزینه‌ها<br>ارزش‌افزوده منابع مالی<br>الگوبرداری رقابتی |
| پیامدهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش | بهبود مدیریت استعداد | بهبود جذب و حفظ افراد بهره‌ور<br>بهبود پیامدهای شغلی افراد |
| | کمک به سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش | کیفی کردن مباحث کمی در بودجه‌ریزی مالی<br>تعیین میزان و بازده سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش |
| | قابلیت مقایسه پذیری نتایج | مقایسه نتایج هزینه کرد منابع مالی آموزش‌وپرورش با گذشته و دیگر سازمان‌ها |
| | مدیریت بهتر فرایندهای بودجه‌ریزی | بهبود فرایندهای بودجه‌ریزی<br>مدیریت بهتر هزینه‌ها |
| | برنامه‌ریزی در بودجه‌ریزی مالی | شناسایی نقاط قوت و ضعف در بودجه‌ریزی مالی<br>هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اقدامات اصلاحی در بودجه |
| | استراتژیک شدن ساختار بودجه‌ریزی | هم‌راستایی منابع مالی با استراتژی‌های آموزش‌وپرورش<br>کمک به پیاده‌سازی استراتژی‌های آموزش‌وپرورش |
| | تخصص‌گرایی در بودجه‌ریزی | تخصصی شدن بودجه‌ریزی مالی در آموزش‌وپرورش |
| | پویایی منابع مالی | رقابت‌پذیری و پویایی بهتر در منابع مالی |

منظور از شرایط علی مطروحه در شکل **۱** همان مشوق‌ها جهت بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی می‌باشد. بعضی مواقع این مشوق‌ها رنگ می‌بازند ولی در زمان مناسب می‌توانند مدیران آموزش‌وپرورش را ترغیب کرده تا به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی روی‌آورند. جهت بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی می‌باشد. بعضی مواقع این مشوق‌ها رنگ می‌بازند ولی در زمان مناسب می‌توانند مدیران آموزش‌وپرورش را ترغیب کرده تا به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی روی‌آورند. مدیران مالی و ارکان تحت سرپرستی آن‌ها علاقه‌مند هستند تا در تعیین راهبردهای آموزش‌وپرورش نقش مهمی ایفا کرده و بتوانند انتظارات مؤسسه را به‌طور بهینه مدیریت کنند. در اغلب ادارات آموزش‌وپرورش کشور، مدیران مالی و ارکان تحت سرپرستی آن‌ها دارای نقش اداری هستند. با وضعیت نامناسب اعتبارات مالی در ادارات آموزش‌وپرورش کشور و استخدام متخصصان گوناگون، مدیران مالی به ناگزیر بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی را مدنظر قراردادند. بدین ترتیب هم تخصص‌گرایی رواج پیداکرده و هم منزلت آموزش‌وپروش ارتقا می‌یابد. به‌علاوه استفاده ادارات آموزش‌وپرورش از الگوهای تعالی می‌تواند در بهبود بهره‌وری مالی مفید باشد؛ بنابراین می‌توان گفت علاقه مدیران مالی جهت بهبود بهره‌وری مالی موجب می‌شود تا ادارات آموزش‌وپرورش به سمت ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی خود روی‌آورند.




**شکل (۱):** مدل پارادایمی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش

از دیگر سو، شرایط زمینه‌ای دربرگیرنده خصوصیات درون و برون‌سازمانی جهت بهبود بهره‌وری و ارتقا نظام بودجه‌بندی می‌باشند. ارتقای بهره‌وری، تعریف و نقش مسئولیت‌های افراد درگیر در مسئله بهره‌وری می‌باشد تا این کار قائم به فرد نشود و حالت سیستمی پیدا کند. یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای مؤثر بر ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی، عدم ثبات مدیریتی و اعتقاد و حمایت مدیریت از ارتقای بهره‌وری می‌باشد که در ادارات آموزش‌وپرورش جایگاه مناسب خود را پیدا نکرده است. علاوه بر این وجود افرادی به‌عنوان پایشگر که ازلحاظ تخصص مالی، تفکرات علت و معلولی و پایبندی به تعالی سازمانی شایسته باشند، مفید به نظر می‌رسد. فناوری اطلاعات پیشرفته و اخلاق‌مداری درزمینه داده‌های مالی آموزش‌وپرورش موردی دیگر می‌باشد. تقویت فرهنگ خود بهره‌وری، ماهیت آموزشی و پرورشی بودن آموزش‌وپرورش، سهم قابل ملاحظه هزینه‌های منابع انسانی و توجه به رشد فرایندهای مالی نیز از دیگر شرایط مؤثر بر بهبود بهره‌وری مالی و ارتقای نظام بودجه‌ریزی هستند. شایان‌ذکر است مهم‌ترین شرط زمینه‌ای، یکپارچگی فرایند بهبود بهره‌وری مالی و هم‌راستایی اقدامات با استراتژی‌های آموزش‌وپرورش و تعریف درست سنجه‌ها و همچنین درک مناسب از فلسفه بهبود بهره‌وری می‌باشد.

شرایط مداخله‌ای شرایطی هستند که بر انتخاب و اجرای صحیح مکانیزم‌های بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی مؤثر هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انتخاب مکانیزم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی، ویژگی‌های بودجه‌ریزی مالی است. این ویژگی‌ها در طول زنجیره بهره‌وری مالی، متغیر، سیال و تأثیرگذاری آن‌ها طولانی‌مدت می‌باشد. همچنین تعریف درست مسئله بهره‌وری، مشخص کردن فلسفه و رویکرد بهبود بهره‌وری مالی و تناسب راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی با مسئله بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش بر اثربخشی راهکارهای اتخاذشده تأثیر می‌گذارد. خصوصیاتی مانند تجربه و شایستگی افراد، سطح هزینه و بودجه اختصاص داده‌شده، پتانسیل دانشی و میزان بلوغ سازمان بر انتخاب بهترین راهکارها جهت بهبود بهره‌وری مؤثر هستند. نوع و ماهیت متمایز منابع مالی و میزان بلوغ فرایندهای آن‌ها، موجب بروز تفاوت در راهکارهای بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی می‌شود. در پایان مواردی از قبیل کارایی و اثربخشی، فرهنگ‌سازمانی، میزان سهولت استفاده، سطح تکرارپذیری و درجه قابلیت مقایسه در انتخاب راهکارها مؤثر می‌باشند.

دو بعد اصلی از ابعاد بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی، ارتقای بهره‌وری فرایندهای مالی و ورود منابع می‌باشد. ارتقای بهره‌وری فرایندهای مالی شامل دو جزء کارایی و اثربخشی این فرایندها می‌باشد. باید توجه داشت که ارتقای بهره‌وری فرایندهای مالی مشتمل بر سه رکن اساسی پیامدهای شغلی، توانمندی‌ها و عملکرد افراد می‌باشد.

از دیگر سو باید توجه داشت که آموزش‌وپرورش از طریق بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی خود می‌تواند میزان اثربخشی برنامه‌های خود در راستای جذب، حفظ و توسعه سرمایه انسانی را بهبود ببخشد. به‌علاوه، بهبود بهره‌وری مالی و ارتقای نظام بودجه‌ریزی از طریق افشای ارزش و منافع حاصله از فعالیت‌های آموزش‌وپرورش موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجه در این وادی خواهد شد. همچنین این امر می‌تواند از طریق ایجاد قابلیت مقایسه، نقاط قوت و ضعف آموزش‌وپرورش با سایر سازمان‌ها را نمایان سازد. بهبود بهره‌وری مالی و ارتقای نظام بودجه‌ریزی می‌تواند موجب هدف‌گذاری دقیق‌تر و حمایت بیشتر مدیریت ارشد جهت برنامه‌ریزی عملیاتی مالی شود. به‌علاوه این امر تبدیل ساختار منابع مالی آموزش‌وپرورش به ساختاری پویا را تسریع می‌کند.

ازآنجایی‌که در پژوهش کیفی رکن اصلی پژوهشگر بوده و با توجه به اینکه شیوه جمع‌آوری داده در بخش کیفی مصاحبه است، روش تضمین روایی به این صورت بوده که در هر مرحله از گردآوری و تحلیل داده‌ها به سایر پژوهشگران و اساتید مراجعه و نظرات آن‌ها در خلال پژوهش به‌دست آمد. برای سنجش پایایی مصاحبه‌ها به لحاظ کدگذاری و تحلیل از دو راهبرد روش توافق موضوعی و درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی استفاده شد. در این راستا از یک نفر همکار پژوهش برای کدگذاری مجدد و محاسبه درصد توافق درون موضوعی استفاده شد. ازآنجاکه درصد توافق درون موضوعی بین دو کدگذار بیش از ۷۰ درصد بوده، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. همچنین در این پژوهش، زمان طولانی انجام، موجب جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان و کنترل بدفهمی‌های ناشی

از مداخله پژوهشگر شده که این امر پایایی پژوهش را افزایش می‌دهد.

**سؤال دوم**– بر اساس مدل پژوهش و تجربیات موفق سایر کشورها، چه راهکارهایی درزمینه ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش می‌توان ارائه داد؟

یکی از اهداف این پژوهش بررسی تجربیات کشورهای موفق درزمینه ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در سیستم آموزش‌وپرورش بوده است. در این راستا در مرحله ابتدایی تجربیات موفق ۱۸ کشور کره جنوبی، ژاپن، سنگاپور، هنگ‌کنگ، مالزی، امارات متحده عربی، فنلاند، هلند، ایتالیا، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئد، ترکیه، برزیل، استرالیا، کانادا و ایالات‌متحده بررسی شد (Marginson, 2018; Naderi, 2016; Noraniazad et al., 2022; Pinto, 2022; Raste Moghadam & Naderi, 2016; Ritzen et al., 1997; Rowe & Perry, 2020; Sabri et al., 2020; Setiawan, 2018; Shaabani, 2020; Tapia et al., 2022 UNESCO, 2017; Werner & Shah, 2006; West & Ylönen, 2010). در مرحله میانی با تلفیق این تجربیات با مصاحبه‌های صورت گرفته با پانل پژوهش جمع‌بندی از نتایج به‌دست‌آمده صورت گرفت؛ در مرحله پایانی با مشارکت پانل پژوهش و با روش دلفی در دو دور راهکارهای اولویت‌دار استخراج‌شده‌اند. در دور اول بر اساس نتایج مرحله میانی، ۴۰ راهکار شناسایی‌شده در قالب یک پرسشنامه در اختیار اعضای پانل پژوهش قرار داده شد. پاسخ‌دهنده باید نظر خود درباره هر یک از راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش و بعد مرتبط با آن را با انتخاب یکی از گزینه‌های "تأثیر بسیار زیاد"، "تأثیر زیاد"، "تأثیر متوسط"، "تأثیر کم" و "تأثیر بسیار کم" اعلام می‌کرد؛ همچنین در دور اول از پاسخ‌دهنده خواسته شد تا راهکارهایی که به نظر وی مهم هستند ولی در بین گزینه‌ها نیستند نیز ذکر کند. در دور دوم با جمع‌بندی نتایج دور قبل و نظرات پانل خبرگان، ۳۴ راهکار نهایی شد و مانند دور اول از پانل پژوهش خواسته شد نظر خود را نسبت به این راهکارها با انتخاب یکی از گزینه‌ها اعلام کنند. در مرحله پایانی با تجزیه‌وتحلیل نتایج دور دوم، درمجموع ۲۲ تجربه (راهکار) اولویت‌دار در سه بعد اجرایی، مبنایی و پژوهشی استخراج شد که به دلیل کاهش از حجم بحث، به‌صورت مختصر در جدول **۳** اشاره‌شده است.

**جدول (۳):** راهکارهای اجرایی، مبنایی و پژوهشی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش‌وپرورش

| ردیف | راهکارها | بعد |
|---|---|---|
| ۱ | بررسی و ارزیابی بهره‌وری مالی سیستم بودجه‌ریزی موجود و بهبود فرایندهای مالی | اجرایی |
| ۲ | تقویت بهره‌برداری درست از منابع مالی موجود | اجرایی |
| ۳ | مدرنیزاسیون سیستم بودجه‌ریزی مالی آموزش‌وپرورش برای پاسخگویی به نیازها | اجرایی |
| ۴ | تأکید بر کارایی تخصیصی و انطباقی در بودجه‌ریزی مالی آموزش‌وپرورش | اجرایی |
| ۵ | گسترش شناخت در خصوص منافع ارتقای بهره‌وری مالی و مشارکت در تدوین برنامه‌ها | اجرایی |
| ۶ | برنامه‌ریزی کلان جهت توجیه مدیران آموزش‌وپرورش جهت ایجاد باور صرفه‌های اقتصادی ناشی از ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | اجرایی |
| ۷ | به‌کارگیری انواع مشوق‌های مادی و معنوی برای فعالیت‌هایی که در راستای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی آموزش‌وپرورش انجام می‌گیرند | اجرایی |
| ۸ | تلاش برای اجرای محدود قانون شوراهای آموزش‌وپرورش | اجرایی |
| ۹ | تجمیع مدارس روستایی در راستای هدف افزایش بهره‌وری مالی | اجرایی |
| ۱۰ | افزایش آگاهی و لزوم ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی (فرهنگ بهره‌وری) | مبنایی |
| ۱۱ | پذیرش و مشارکت عمومی همه کارکنان در ارتقای بهره‌وری مالی (خود بهره‌وری) | مبنایی |
| ۱۲ | اصلاح رویکرد نظارت بر بهره‌وری ارکان آموزش‌وپرورش | مبنایی |
| ۱۳ | تسهیل برنامه‌ریزی آموزشی و کاهش موانع غیر آموزشی برای معلمان | مبنایی |
| ۱۴ | بازنگری ساختار و قانون تأمین مالی آموزش‌وپرورش باهدف توانمندسازی و تقویت آن | مبنایی |

ادامه **جدول (۳)**.

| ردیف | راهکارها | بعد |
|---|---|---|
| ۱۵ | استقلال نسبی ادارات آموزش‌وپرورش در به‌کارگیری و هدایت منابع مالی موجود | مبنایی |
| ۱۶ | تمرکززدایی در آموزش‌وپرورش و به‌کارگیری روش مدرسه محوری | مبنایی |
| ۱۷ | انجام پژوهش‌های پایه و کاربردی درزمینه ارتقای بهره‌وری در آموزش‌وپرورش | پژوهشی |
| ۱۸ | تدوین مقررات موردنیاز درزمینه مشارکت کارکنان در ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی | پژوهشی |
| ۱۹ | تنوع بخشیدن به منابع مالی آموزش‌وپرورش | پژوهشی |
| ۲۰ | تدوین استاندارد بهره‌وری در حیطه‌های مختلف آموزش‌وپرورش | پژوهشی |
| ۲۱ | تقویت شناخت و توجه به اقتصاد آموزش‌وپرورش | پژوهشی |
| ۲۲ | تلاش برای استفاده غیرمستقیم از حق رشد دانش‌آموزان | پژوهشی |

## ۶-مراجع


Abbas Pour, A., & Yazdani, R. (2017). Designing a model for the allocation of non-personnel financial resources in education with the approach of justice in education (reducing inequalities, removing deprivation). *Journal of Research in Management and Accounting*, *19*(3), 83-94. (In Persian).

Albon, S. P., Iqbal, I., & Pearson, M. L. (2016). Strategic planning in an educational development centre: Motivation, management, and messiness. *Collected Essays on Learning and Teaching*, *9*, 207-226. **DOI:** https://doi.org/10.22329/celt.v9i0.4427

Alexander, K., Salmon, R. G., & Alexander, F. K. (2014). *Financing public schools: Theory, policy, and practice*. Routledge.

Alkubaisi, H., & Rasool, N. (2020). Financing higher education in Arab countries: Challenges, constraints and solutions. *Journal of Education and Training Studies*, *8*(8), 38-54. **DOI:** https://doi.org/10.11114/jets.v8i8.4708

Atmaja, D. S., Zaroni, A. N., & Yusuf, M. (2023). Actualization of performance management models for the development of human resources quality, economic potential, and financial governance policy in Indonesia ministry of education. *Multicultural Education*, *9*(01), 1-15.

Azvaji, A., & Dadashi, S. (2011). Analysis of labor productivity level in Iranian economy, challenges, opportunities and approaches. *Work and Society*, *133*, 16-38. (In Persian).

Baker, B. (2022). Toward equitable and adequate financing of US public schools. *Revista de Financiamento da Educação*, *12*(34), 1-21. **DOI**: https://doi.org/10.22491/2236-5907127160

Becerik-Gerber, B., Lucas, G., Aryal, A., Awada, M., Berges, M., Billington, S. L., ... & Zhao, J. (2022). Ten questions concerning human-building interaction research for improving the quality of life. *Building and Environment*, *226*, 109681. **DOI:** https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2022.109681

Bray, T. M. (2002). *The costs and financing of education: Trends and policy implications*. Asian Development Bank & CERC, University of Hong Kong.

Chapman, B., & Doris, A. (2019). Modelling higher education financing reform for Ireland. *Economics of Education Review*, *71*, 109-119. **DOI:** https://doi.org/10.1016/j.econedurev.2019.04.001

Chindengwike, J. (2022). The influence of value added tax revenue on private domestic investment in developing countries. *Journal of Global Economy*, *18*(4), 289-310.

Elasmay, M. M. (2021). Japan's education system, and its financing. *Sohag University International Journal of Educational Research*, *4*(4), 1-6. **DOI**: https://doi.org/10.21608/suijer.2021.174765

Ginting, N. (2020). Equity and equality in education financing. *Proceeding International Seminar of Islamic Studies*, *1*(1), 209-216.

Hairon, S. (2021). Overview of education in Singapore. *International Handbook on Education in South East Asia*, 1-31.

Hapompwe, C., Asif Mahbub Karim, F., & Kambikambi, T. (2020). An empirical evaluation of public secondary schools' education financing and its impact on service quality in Lusaka,

Marginson, S. (2018). Global trends in higher education financing: The United Kingdom. *International Journal of Educational Development*, *58*, 26-36. **DOI:** https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2017.03.008

Naderi, A. (2016). *Education finance*. Tehran University Press. (In Persian).

Noraniazad, S., Kamani, M. H., & Keshavarz, F. (2022). Investigating the validity of Wagner's law and performance-based budget reform in public expenditure of selected Asian countries. *Planning and Budgeting*, *26*(4), 123-154. (In Persian). **DOI:** https://doi.org/10.52547/jpbud.26.4.123

Pinto, J. M. D. R. (2022). The education system of Brazil: Financing of education in Brazil. In *The Education Systems of the Americas* (pp. 265-289). Springer International Publishing. **DOI:** https://doi.org/10.1007/978-3-030-41651-5_12

Rasteh Moghadam, A., & Naderi, A. (2015). Introduction of financial models using to extract lessons for higher education in Iran. *Iranian Higher Education*, *7*(2), 113. (In Persian).

Ritzen, J. M., Van Dommelen, J., & De Vijlder, F. J. (1997). School finance and school choice in the Netherlands. *Economics of Education Review*, *16*(3), 329-335. **DOI:** https://doi.org/10.1016/S0272-7757(96)00078-7

Rowe, E., & Perry, L. B. (2020). Private financing in urban public schools: Inequalities in a stratified education marketplace. *The Australian Educational Researcher*, *47*(1), 19-37. DOI: https://doi.org/10.1007/s13384-019-00328-0

Sabri, M., Wijekoon, R., & Rahim, H. (2020). The influence of money attitude, financial practices, self-efficacy and emotion coping on employees' financial well-being. *Management Science Letters*, *10*(4), 889-900. **DOI:** https://doi.org/10.5267/j.msl.2019.10.007

Setiawan, W. A. (2018). Differences of education systems in developed and developing countries curriculum, educators and financing in Indonesia and Finland. *Didaktika Religia*, *6*(1), 139-152.

Shaabani, A. (2020). Responsibilities and duties of education authorities and managers and teachers in front of students' activity. *Ourmazd Research Journal*, *50*(2), 27-60. (In Persian).

Tapia, C. E. F., González, M. D. C. P., Ávila, F. J. M., & Cevallos, K. L. F. (2022). The determining factors of productivity and competitiveness from the perspective of territorial and sustainable development. *Revista Iberoamericana de Estudios* Zambia. *African Journal of Education and Practice*, *6*(2), 13-32.

Hedayati, F., & Naji, M. (2020). A systematic pattern of fundamental transformation in education from the point of view of the Supreme Leader. *Survey in Teaching Humanities*, *5*(16), 12-21. (In Persian). **DOR:** https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27172260.1398.5.16.2.4

Hidayah, A., & Syahrani, S. (2022). Internal quality assurance system of education in financing standards and assessment standards. *Indonesian Journal of Education (INJOE)*, *2*(3), 291-300.

Jafari, S., Esfandiari, M., & Pahlavani, M. (2022). Investigating the reasons for the difference in total factor productivity between east and west Asia with emphasis on institutions, human capital and relative backwardness. *Planning and Budgeting*, *27*(3), 109-140. (In Persian). **DOI**: http://dx.doi.org/10.52547/jpbud.27.3.109

Jiakui, C., Abbas, J., Najam, H., Liu, J., & Abbas, J. (2023). Green technological innovation, green finance, and financial development and their role in green total factor productivity: Empirical insights from China. *Journal of Cleaner Production*, *382*, 135131. **DOI:** https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.135131

Karimi HajiKhademi, F., & Heidari Pour, K. (2020). Confrontation of tradition and modernity in modern education. *Ourmazd Research Journal*, *51*(2), 49-69. (In Persian).

Khan, S., & Abdullah, N. N. (2019). The impact of staff training and development on teachers' productivity. *Economics, Management and Sustainability*, *4*(1), 37-45. **DOI:** https://doi.org/10.14254/jems.2019.4-1.4

Kurul, N. (2012). Turkey under AKP rule: Neoliberal interventions into the public budget and educational finance. *In Neoliberal Transformation of Education in Turkey: Political and Ideological Analysis of Educational Reforms in the Age of the AKP* (pp. 83-94). Palgrave Macmillan US.

Lecours, A., Béland, D., Tombe, T., & Champagne, E. (Eds.). (2023). *Fiscal Federalism in Canada: Analysis, Evaluation, Prescription*. University of Toronto Press.

Linna, P., Pekkola, S., Ukko, J., & Melkas, H. (2010). Defining and measuring productivity in the public sector: Managerial perceptions. *International Journal of Public Sector Management*, *23*(5), 479-499. **DOI:** https://doi.org/10.1108/09513551011058493

*de Desarrollo = Iberoamerican Journal of Development Studies*, *11*(2), 312-337. **DOI:** https://doi.org/10.26754/ojs_ried/ijds.695

UNESCO. (2017). Ensuring adequate, efficient & equitable financing in schools. *Education Thematic Brief*, UNESCO Asia-Pacific.

Werner, J., & Shah, A. (2006). Financing of education: Some experiences from ten European countries. *Institute of Local Public Finance, Langen, Working Paper*, (2-2006).

West, A., & Ylönen, A. (2010). Market-oriented school reform in England and Finland: School choice, finance and governance. *Educational Studies*, *36*(1), 1-12. **DOI**: https://doi.org/10.1080/03055690902880307

Zabidi, Z. M., & Adams, D. (2022). Education transformation in Malaysia: Equity, funding, and strategic partnership. In *Education in Malaysia* (pp. 234-247). Routledge.